



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
In the Name of Allah, the Most Gracious, the Most Merciful



نورالامین

تحلیل انتقادی عرفان

با رویکرد مبانی امام خمینی رحمة الله عليه

خلیل منصوری

سخن ناشر

معارف اسلامی ناب، نیاز بشر تشنه معنویت امروز است. در این دوران که بسیاری آن را عصر پایان جهان می‌دانند، گرایش به دین و معنویت، سرعتی شگفت یافته است. در این میان، اسلام بیشترین سهم را از این گرایش به دین دارد، و چرا چنین نباشد؟ اسلام، دین انسانی زیستن، عدالت‌پروری و عشق به همنوع است و بشر این عصر، این گوهر گمشده را در اسلام ناب یافته است.

ازسوی دیگر، گسترش پُرشتاب رسانه‌ها و ابزارهای انتشار اطلاعات، بی‌وقفه موجب پدید آمدن پرسش‌ها و شبهات جدیدی می‌شود که تا اندکی پیش از این، هیچ‌یک از آنها قابل تصور نبود. این انفجار اطلاعات، به‌ویژه در دنیای مجازی، اغلب فرصت ژرف‌اندیشی را از انسان سلب می‌کند و همین موجب شناخت نادرست یا ناقص از بسیاری امور، به‌ویژه مفاهیم و معارف دینی می‌گردد.

بنابراین، تبلیغ و نشر مؤثر معارف اسلامی ناب، رسالت خطیری است که بر عهده همه متولیان این امر می‌باشد. بدون تلاش خالصانه و آگاهانه برای رسیدن به این هدف، پتانسیل عظیمی که در گرایش بشر به معنویت در این عصر پدید آمده، به هدر خواهد رفت.

نشر «نورالامین» به سهم خود می‌کوشد تا بخش اندکی از رسالت عظیم نشر معارف اسلامی ناب را به بهترین شکل ممکن انجام دهد و در این راستا از پیشنهادها و انتقادهای همه فرهیختگان این عرصه، برای غنا بخشیدن به آثار خود استقبال می‌کند.

انتشارات نورالامین

پیشگفتار

عرفان اسلامی بر اساس فلسفه هستی‌شناختی و انسان‌شناختی قرآن و اسلام شکل گرفته است. این عرفان بر مدار و محور توحید است. البته در عرفان اسلامی موجود در کتب و رفتار اجتماعی عارفان، نمونه‌های از عقاید و افکار دیگران نفوذ کرده است؛ از این رو نیازمند بازسازی و بازخوانی بر اساس مبانی و اصول قرآنی است. سبک زندگی اسلامی عارفان به‌ویژه متصوفان کمی از عرفان اجتماعی قرآن دور افتاده است. البته عرفان اسلامی منبع غنی و نیازمند بازخوانی است. در طول تاریخ اندیشمندان اسلامی این ذخایر گرانبهای الهی که تالو وجودشان زمین سرد و خشک را گرمی و طراوت می‌بخشد، با بهره‌گیری از آب‌شخور اصیل کتاب و عترت، همچون رودخانه‌هایی خروشان هستند که عطش تشنگان را سیراب و اشتیاق مشتاقان را به نهایت می‌رسانند و با استنباط و تفحص در آیات و روایات در قالب نظریه و احکام، سبک درست زندگی را به مردمان می‌آموزند تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند گردند.

عرفان اسلامی همانند فقه اسلامی یا هر عنوان ترکیبی دیگر نیازمند آن است تا بر اساس قواعد و اصول اجتهادی بازخوانی و بازسازی شود. اجتهاد

در فرهنگ اسلامی به معنا ردّ فروع به اصول، مهم‌ترین بستری است که متغییرات را به ثابتهات پیوند می‌زند و امروز را با گذشته و آینده ارتباط می‌دهد و شریع و مناهج را به مردمان می‌نمایاند. این‌گونه است که در سایه سار اجتهاد و استنباط همواره زندگی در جلوه‌های تطور و تحول در فهم و فقه اسلامی خود را در اوج نشان می‌دهد و مرگ و زوال از اندیشه‌های اسلامی دور می‌ماند. اجتهاد پویا چیزی جز شناخت مسائل روزمره زندگی و مقتضیات آن نیست که در قالب نظریه‌ها و احکام در چارچوب مبانی و اصول استنباط ارایه می‌شود و چراغ راهی برای مردمانی است که می‌خواهند بر اساس فلسفه اسلامی، سبک زندگی خود را سامان دهند.

امروز مسائل بسیاری خود را بر جامعه تحمیل کرده است که از جمله آن‌ها مسائل عرفان و معنویت‌های نوین و ساخته و پرداخته بشری است. نویسندگان در این بر آن است تا بر اساس شاخص‌های قرآنی در چارچوب استنباط و اجتهاد سامان یافته در طول تاریخ بایدها و نبایدها عرفان نظری و عملی قرآن تبیین نماید.

امید می‌رود با عنوان «تحلیل انتقادی؛ با رویکرد عرفان امام» انجام شده است، ذخیره‌ای ماندگار در ترویج فلسفه و سبک زندگی اسلامی و در راستای معرفت و حکمت الهی بماند؛ چرا که این هر آنچه نوشته شده نعمتی الهی است: وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	تحلیل انتقادی عرفان؛ نقدپذیری عرفان عارفان
۱۸	چیستی عرفان
۱۸	دیدگاه‌ها درباره ماهیت عرفان
۱۹	بیان ضرورت تعریف از عرفان
۲۱	چیستی عرفان
۳۱	انواع شناخت
۳۶	تحلیل ترکیبی «تاریخ و نظریه»
۴۰	سومین آگاهی
۴۲	نفی شناخت یا شناخت نفی گونه
۴۴	شهود عرفانی: شناخت یا آزمون
۴۷	عرفان و معنا بخشی به هستی
۵۰	عرفان و نهادهای دینی: دو جریان متمایز
۵۳	فقه و عرفان
۵۷	زبان نمادین عرفان
۶۱	عقلانیت صوری و عقلانیت ذاتی
۶۳	تحلیل انتقادی از مفاهیم نظری تصوف
۷۳	تصوف فلسفی

۷۹. تصوف و گرایش به کرامت
۹۱. تصوف، فرار از مسئولیت
۱۰۵. نقش اجتماعی و سیاسی درویشان
۱۱۴. عرفان فردی و عرفان اجتماعی مسئولیت پذیر
۱۳۲. تأویل قرآن: روش تفسیری عارفان
۱۳۷. نقد پذیری آگاهی سوم و مکاشفات عرفانی
۱۳۷. مقدمه
۱۳۸. روش تحلیل: روش شناسی تحلیل درست
۱۴۲. یکسویه‌نگری در مقام طرح مسئله
۱۴۳. یکسویه‌نگری در مقام توصیف
۱۴۴. یکسویه‌نگری در مقام تحلیل
۱۴۷. نقد پذیری آگاهی سوم
۱۵۵. تبیین مکاشفات عرفانی
۱۶۰. عقلانیت باورها و رفتارهای عرفانی
۱۶۲. عقل و عرفان
۱۶۲. طولی بودن برهان و عرفان
۱۷۱. اعتبار مکاشفات: چکیده پاسخ‌ها
۱۷۲. اعتبار مکاشفات برای عارفان
۱۷۳. اعتبار مکاشفات برای غیر عارفان
۱۷۷. ارزیابی معرفت شناسانه مکاشفات
۱۸۱. معیارهایی برای عارفان
۱۹۱. ارزش و ضرورت پژوهش فلسفی عرفانی
۱۹۷. عقلانیت فلسفی و شهود عرفانی
۱۹۸. تفاوت میان مکاشفه و تعبیر مکاشفه
۲۰۶. عینیت مکاشفات عرفانی
۲۲۰. تأثیر فرهنگ و باورها: گمراهی در مکاشفه

۲۲۲	وحدت وجود
۲۲۴	فنا و آگاهی مستقیم از حضور خدا
۲۲۹	تحلیل مبانی امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small> در عرفان
۲۲۹	مقدمه
۲۳۱	جایگاه نقد در اندیشه امام
۲۳۳	جایگاه دین در سیاست
۲۳۷	سیاسی کردن حوزه دین
۲۴۳	چیستی عرفان از دیدگاه امام
۲۴۸	عرفان رهایی بخش
۲۴۹	ابعاد مختلف عرفان
۲۵۶	عرفان اجتماعی
۲۶۱	رابطه عرفان و اجتماع
۲۶۲	کارکرد اجتماعی عرفان
۲۷۰	راهکارهای عمومی سازی عرفان در اندیشه امام
۲۸۲	مکاشفه آمدنی و خواستنی
۲۸۳	تجربه عرفانی؟! و پرسش های معرفت شناسانه
۲۸۶	عرفان و سیاست: نگاهی تاریخی
۳۰۳	عرفان سیاسی - اجتماعی و سیاست عرفانی
۳۱۱	عرفان مسئولیت گریز
۳۱۲	زبان رمزی قرآن و عرفان
۳۱۵	زبان نمادین
۳۱۸	راه ناتمام
۳۲۵	منابع

مقدمه

اسلام نقد به معنای جداسازی سره از ناسره تنها به ابعاد منفی و سلبی چیزی نمی‌پردازد؛ زیرا این ابعاد هرچند مهم است، اما اصالت ندارد، بلکه آن چه اصالت دارد، ابعاد اثباتی و مثبتی است که با نقد دانسته می‌شود؛ زیرا یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت چیزی، توجه به ضد آن چیز است. وقتی ابعاد منفی و سلبی چیزی دانسته و شناخته می‌شود، چهره حقیقت چنان تابان می‌شود که دیگر غباری و ابری بر آن ننشیند.

انتقاد دقیق‌تر از نقد است؛ زیرا دقت نظر و تامل بیشتری را می‌طلبد. بنابراین تحلیل انتقادی ناظر به جداسازی علمی دقیق چیزی می‌تواند زوایای آشکار و نهان را چنان نشان دهد که هیچ نقطه تاریکی باقی نماند.

تحلیل انتقادی عرفان به این هدف انجام می‌شود تا ابعاد گوناگون و شناخته و ناشناخته عرفان اسلامی دانسته شود. البته در آغاز هدف این بود که تحلیل عرفان در رهیافت امام خمینی علیه السلام بیان شود، اما در فرایند تحقیق بهتر دانسته شد تا فراتر از آن به تحلیل پرداخته شود، و عرفان به‌عنوان یکی از راه‌های شناخت حقیقت، بلکه یکی از راه‌های دست‌یابی به کمال انسانی از منظر درون‌شناختی و برون‌شناختی دانسته شود.

در تحلیل انتقادی عرفان جنبه برون شناختی و یک ناظر بیرونی اصالت دارد و ابعاد درون شناختی تنها به عنوان شواهد به کار گرفته می شود. باید یادآور شد که این کتاب «تحلیل انتقادی عرفان» با دو کتاب دیگر به نام «مبانی عرفان امام خمینی» و «تفسیر سلوک سالکان» در اواخر دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد خورشیدی از سده سیزدهم هجری به نگارش در آمده و به نوعی ناظر به یک دیگر و مکمل هم هستند. دست تقدیر چنین شد تا این کتب سالها بلکه دهه ها هم چنان در کنج کتابخانه شخصی بماند و رخ ننماید.

تحلیل انتقادی عرفان در دو فصل یا بخش فراهم آمده است. هدف از این کتاب پاسخ به پرسش های اساسی از صحت و سقم مشاهدات و مکاشفات عارفان و معیارهای تشخیص درست و نادرست به ویژه بر اساس کشف تام محمدی علیه السلام قرآن کریم به عنوان مهم ترین و اساسی ترین معیار برای شناخت است.

خلیل منصوری

قم المقدسه

۱۳۸۰